پای درس علی(ع)

تقوا بهترین توشه برای آخرت

امام علی(ع): «کسی که جامه تقوا بر قلبش بپوشاند، کارهای نیکوی او آشکار شود و در کارش پیروز گردد. پس در به دست آوردن بهره‌های تقوا فرصت غنیمت شمارید «و برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب با آن انجام دهید، زیرا دنیا برای زندگی همیشگی شما آفریده نشده، گذرگاهی است تا در آن زاد و توشه آخرت بردارید.»

نهج‌البلاغه- خطبه ۱۳۲

سالگرد کودتای سیاه رضاخانی

رضا میرپنج، شاگرد کودن مکتب‌خانه فراماسون‌ها

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«... در اکتبر سال ۱۹۱۷ بود که حوادث روزگار مرا با رضاخان آشنا کرد... ملاقات‌های بعدی من با رضاخان در نقاط مختلف و پس از متجاوز از یک سال بیشتر در قزوین و تهران صورت می‌گرفت...به زبانی ساده تاریخ و جغرافیا و اوضاع سیاسی اجتماعی ایران را برایش تشریح می‌کردم... اغلب تا دیرگاهان به صحبت من گوش می‌داد... من به تفضیل برایش شرح دادم... (درباره) طبقه علما و آخوندها و ملاها و...»[1]

این جملات بخشی از وصیتنامه یا خاطرات اردشیر جی ریپورتر درباره آشنایی با رضاخان و تربیت و آموزش وی است که تاریخ نوامبر ۱۹۳۱ بر خود داشته ولی سال‌ها بعد انتشار یافت. اردشیر جی ریپورتر از سرکردگان تشکیلات فراماسونری و از عوامل امپراتوری صهیونی روچیلدها در ارتباط با لرد لئونیل والتر روچیلد و برادرانش، فردی بود که با تاسیس «لژ بیداری ایرانیان»، فرقه مخوف فراماسونری را وارد فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی سرزمین ایران نمود.[2]

بهائیان و فراماسون‌ها؛ اربابان اصلی رضاخان

اما اردشیر ریپورتر چگونه و از چه طریق با رضاخان آشنا شد؟ براساس اسناد و منابع معتبر، در شناسایی و معرفی رضا میرپنج به اردشیر ریپورتر برای صعود به سلطنت، عوامل مستقیم صهیونیست‌ها دخالت و فعالیت جدی داشتند. از جمله برخی رهبران فرقه ضاله بهائیت مانند حبیب‌الله عین الملک (پدر امیر عباس هویدا) که رضاخان را برای سلطنت و حکومت مورد نظر امپراتوری جهانی صهیونیسم به اردشیر ریپورتر معرفی نمود.

حبیب‌الله رشیدیان از عوامل شناخته شده انگلیس در بخشی از خاطرات خود که در کتاب سوم «تاریخ معاصر ایران» تحت عنوان: «سوابق رضاخان و کودتای سوم حوت ۱۲۹۹» نقل شده، نوشته است:

«... چند سال قبل از کودتا، من بیشتر روزهای هفته، صبح هنگام، سری به منزل (حبیب‌الله) عین‌الملک که از متنفذین فرقه بهائیه بود و با وی سوابق دوستی و صحبت داشتم، می‌زدم... یک روز مردی پارسی و هندی بر او وارد شد که نام آن پارسی هندی، ارباب اردشیر جی بود که برمن معلوم شد آن مرد زرتشتی هندی با عین‌الملک، سوابق دوستی ممتد و صحبت قدیمی داشت... در آن روز لحن سخن ارباب اردشیر جی با عین‌الملک، صورت جدی به خود گرفت... ارباب اردشیر جی گفت: از شما خواهشمندم که با محفل بهائیان به مشورت بنشینید و از آنها بخواهید تا صاحب‌منصبی بلندقامت و خوش‌قیافه پیدا کنند و به شما معرفی نمایند و شما آن صاحب‌منصب را با من آشنا کنید. اما به دو شرط: اولا اینکه آن صاحب‌منصب نباید صاحب‌منصب ژاندارم باشد و حتما باید صاحب‌منصب قزاق باشد. ثانیا شیعه اثنی عشری نباشد که ارباب اردشیر جی، مخصوصا جمله اخیر را باز تکرار کرد و برای بار دوم گفت که آن صاحب‌منصب نباید شیعه اثنی عشری خالص باشد. پس از آن ملاقات، عین‌الملک، رضاخان را با ارباب اردشیر جی آشنا کرد و اردشیر وسیله آشنایی رضاخان با فریزر می‌شود و فریزر او را به دیگر انگلیسی‌های دست‌اندرکار کودتا چون هاوارد، اسمایس و گاردنر (کنسول انگلیس در بوشهر) معرفی می‌نماید...»

تغییر نقشه غرب آسیا

به هرحال رضاخان به اردشیر جی ریپورتر معرفی شد. تاریخ این آشنایی دقیقا سال ۱۹۱۷ است، یعنی همان سالی که اعلامیه بالفور صادر شد و تصمیم بر تشکیل دولت اسرائیل رسمی و جدی گردید. همان سالی که رژیم تزار و همچنین امپراتوری عثمانی متلاشی شدند و به تدریج طی سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۵ طرح نقشه جدید غرب آسیا به اجرا در آمد تا زمینه برای برپایی رژیم اسرائیل فراهم گردد. رژیمی که حدود ۳۰ سال بعد اعلام موجودیت کرد.

دکتر موسی حقانی، مدیر پژوهشی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران درباره زمینه‌های روی کار آوردن رژیم پهلوی و رضاخان اظهار داشته است:

«... از ۱۹۱۷ وقتی بالفور، معاون وزیر خارجه انگلیسی بدون اطلاع وزیر مربوطه یعنی لرد کرزن، با اعلامیه معروف خود تشکیل یک دولت صهیونیستی در فلسطین را تایید کرد و آن وعده را اعلام نمود، گام‌های جدی و عملی برای تاسیس یک دولت صهیونیستی در منطقه برداشته شد...»[3]

حجت‌الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی، رئیس‌مرکز تاریخ پژوهی ایران معاصر، از جمله آن گام‌های جدی به تشکیل رژیم‌های دست نشانده اشاره نموده است:

«... مهره‌هایی را در منطقه و در کشورهای اسلامی گماشتند که با کمک آنها بتوانند صهیونیست‌ها را در سرزمین فلسطین جای بدهند. در سال ۱۹۲۳ کمال آتاتورک را در ترکیه روی کار آوردند، در سال ۱۹۲۴ وهابی‌های بیابانگرد مزدور انگلستان در عربستان به قدرت رسیدند، دو تا از پسران شریف حسین به نام عبدالله و فیصل به ترتیب در اردن و عراق قدرت را در دست گرفتند، امان‌الله‌خان را در افغانستان به تخت نشاندند و در سال ۱۹۲۵ رضاخان که با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به قدرت رسیده بود را به سلطنت رسانده و حکومت پهلوی را تاسیس کردند و بدین ترتیب نقشه و نیرنگ به قدرت رسیدن صهیونیست‌ها در فلسطین اجرا شد...»[4]

شیوه راه رفتن را به او آموختند!

اما بعد از معرفی رضا میرپنج از سوی حبیب‌الله عین‌الملک به اردشیر ریپورتر، او حدود دو سال به رضاخان آموزش داد و وی را برای حکومت آینده آماده ساخت. او در همان وصیتنامه یا خاطراتش درباره معرفی رضاخان برای کودتای اسفند ۱۲۹۹ به وضوح توضیح داده است:

«... در این مرحله به دستور وزارت جنگ (وینستون چرچیل) در لندن و نایب السلطنه هند، همکاری نزدیک ژنرال آیرونساید (فرمانده نیروهای نظامی انگلیس در خاورمیانه) و من آغاز گردید. من برای رضاخان... اعتبار فراوانی قائل بودم و سرانجام او را به آیرونساید معرفی کردم...»

یعنی عملیات نهائی کودتا با دستور مستقیم لرد ریدینگ یا سر اسحاق روفوس یهودی، نایب‌السلطنه وقت هند بریتانیا و وینستون چرچیل، وزیر جنگ و از دست‌پرورده‌های خاندان روچیلدها انجام گرفت در زمانی که هسته قوی صهیونی در دولت بریتانیا آن را حمایت می‌کرد، افرادی مانند دیوید لوید جرج (نخست وزیر)، سر فیلیپ ساسون، منشی مخصوص لوید جرج، از خاندان یهودی ساسون‌ها، ادوین مونتاگ، وزیر امور هندوستان، از خاندان یهودی مونتاگ و سر هربرت ساموئل از خانواده یهودی ساموئل و همچنین سایراعضای لابی مقتدر صهیونیستی در دولت وقت انگلیس.

ژنرال آیرونساید هم ادامه ماجرای کودتا را در خاطراتش چنین شرح داده است:

«... با رضا (میرپنج) گفت‌وگو کردم و ماموریتش را به او تفهیم کردم و با او شرط کردم که به بریتانیا خیانت نکند... رضا با خوشرویی پذیرفت. من دست او را فشردم و به اسمایس گفتم، بگذار به تدریج راه بیفتد...»

آیرونساید همچنین به تعیین روز کودتا این‌گونه‌اشاره کرده است:

«... گفت‌وگوهایم با رضا را به نورمن (وزیر مختار انگلیس در ایران) گفتم و با او ترتیب دادم تا تاریخ روزی را قطعی کند که... عملیات کودتا را شروع کنند...»

وقتی که رازها برملا شد

اما وقتی ظهر پنجشنبه ۲۰ آبان ۱۳۵۵، پرویز راجی (سفیر شاه در انگلیس) برای ناهار، میزبان «چیمن پینچر» (روزنامه‌نگار معروف انگلیسی و نویسنده دیلی اکسپرس) بود، شاید هنوز نمی‌توانست شگفتی خود را از مقاله ۳ سال پیش «پینچر» درباره روی کار آوردن رضاخان توسط اردشیر ریپورتر پنهان نماید. راجی در خاطراتش درباره آن مطالب سخن گفته و اظهار داشته است که از سخنان پینچر آزرده‌خاطر شد و احساس تحقیر کرد![5]

سخن از نقش انگلیسی‌ها در به سلطنت رساندن رضاخان تا آن زمان، بسیار به میان آمده بود، ولی اینکه فردی به نام «ریپورتر» عامل روی کار آوردن اولین شاه پهلوی باشد، موضوع تازه‌ای به نظر می‌رسید. اما در مصاحبه‌ای که ویکتور روچیلد (سرکرده وقت امپراتوری صهیونی روچیلدها) در سال ۱۹۷۱ مابین شاه و چیمن پینچر برقرار کرد، اسرار پنهانی افشا شد که بخشی از آن را «پینچر» دو سال بعد یعنی در ۲۱ مارس ۱۹۷۳، با مقاله‌ای در روزنامه دیلی اکسپرس تحت عنوان «افتخارات برای مرد محبوب شاه» درباره شاپور ریپورتر انتشار داد. پینچر در بخشی از آن مقاله ضمن‌اشاره به رابطه شاه و شاپور ریپورتر نوشت:

«... از لندن به ژنرال آیرونساید، فرمانده یکی از نیروهای نظامی بریتانیا در ایران، دستور داده شد که شاه حاکم بر ایران را برکنار کرده و یک حکمران جدید، که بتواند بیشتر و بهتر منافع ملی ایران را تجلی بخشد، بیابد. او [آیرونساید] برای مشاوره نزد آقای اردشیر ریپورتر (پدر شاپور ریپورتر) رفت. (اردشیر) ریپورتر به او گفت تنها یک نفر را می شناسد که واجد کمال، عزم راسخ و توان ذهنی برای انجام این وظیفه است و این شخص رضاخان، یک افسر ایرانی در بریگاد قزاق، است. آیرونساید بلافاصله به رضاخان علاقه‌مند شد. [رضاخان] به عضویت دولت منصوب و به زودی نخست وزیر شد. او در سال ۱۹۲۵ خود را شاه اعلام کرد، نام خانوادگی پهلوی را برگزید...»

دنیس رایت، سفیر انگلیس در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نیز در کتاب خود تحت عنوان «انگلیسی‌ها در میان ایرانیان» بر این موضوع صحه گذارده و می‌نویسد که اردشیر ریپورتر برای اولین بار در سال ۱۹۱۷ با رضاخان آشنا گردید و در جریان ماموریت آیرونساید در ایران نیز به وسیله او به ژنرال انگلیسی معرفی شد.

بعدها در مجموعه اسناد رضا پهلوی، نامه فرزند ژنرال آیرونساید به امیر اسدالله علم به دست آمد که در آن از همکاری نزدیک اردشیر ریپورتر و آیرونساید به عنوان عوامل مستقیم کانون‌های صهیونی و استعماری در روی کار آوردن رضاخان و رژیم پهلوی پرده برداشته بود. در این نامه نوشته شده است:

«... امیدوارم شما و سر شاپور (ریپورتر)، چکیده‌های مناسبی از مکاتبات پدرم و پدر سرشاپور را جمع‌آوری کنید... رضا شاه کبیر چنین مردی بود و من به خاطر همکاری پدرم با چنین چهره برجسته‌ای افتخار می‌کنم...»!

۱- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ بیست‌ویکم، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶ تا ۱۵۹. ۲- همان، ص ۱۳۳ تا ۱۷۳. ۳- مجموعه مستند «آب در هاون»، قسمت اول، شبکه دوم سیما، پخش: ۱۲ بهمن ۱۳۸۸. ۴- همان. ۵- پرویز راجی، در خدمت تخت طاووس: یادداشت‌های روزانه آخرین سفیر شاه در لندن- تهران: چاپ جدید، طرح نو، ۱۳۸۱، ص ۵۵.

پزشکیان:

در مقابل مشکلات و زورگویی‌ها تسلیم نخواهیم شد

رئیس‌جمهور خطاب به ورزشکاران جانباز و توان‌یاب، گفت: شما در مقابل مشکلات تسلیم نشدید، ما نیز با وجود تمام مشکلاتی که ایجاد کردند و زخم‌هایی که بر پیکر جامعه ما زدند، تسلیم مشکلات و زورگویی‌ها نمی‌شویم.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور روز شنبه دوم اسفندماه ۱۴۰۴ در آیین تجلیل از مدال آوران پارالمپیک، افزود: ما در خدمت افتخارآفرینان کشور، بودیم، هستیم و خواهیم بود و هر تلاشی که از ما ساخته باشد که بتوانیم بستر را برای مبارزه جانانه شما جهت رشد و سربلندی ایرانمان آماده کنیم، کوتاهی نخواهیم کرد.

وی ادامه داد: نگاهی که به قله‌ها، عزت و سربلندی است، در مقابل هیچ محدودیتی سر خم نمی‌کند؛ چنین روحیه و باوری و انسان‌هایی که به تمام محدودیت‌ها پشت می‌کنند و تلاش می‌کنند به قله‌ها دست پیدا کنند، بسیار با ارزش است.درسی است برای بقیه کسانی که زندگی می‌کنند؛ انسان‌هایی که این باور را دارند که برای کشور عزت و سربلندی خلق کنند.

رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست که کمبودها را جبران کنیم، اظهار داشت: تلاش می‌کنیم که شرمنده شما عزیزان نباشیم و بستر مناسب را با سرعت و قدرت برای شما آماده کنیم.

پزشکیان با اشاره به افتخارات کسب شده از سوی ورزشکاران توان‌یاب، تاکید کرد: به عنوان یک ایرانی به شما افتخار می‌کنم، به غرور و تلاش و وجود شما افتخار می‌کنم و امیدواریم که شرمنده تلاش و پایداری شما نباشیم. ما تا پای جان برای ایران عزیزمان تلاش خواهیم کرد.

رئیس‌جمهور تصریح کرد: مشکلات زیادی برای ما ایجاد می‌کنند، با کمبودهای بسیاری مواجه هستیم اما در دولت تلاش می‌کنیم که با وحدت و همدلی بر تمام این کمبودها و مشکلات و نامردی‌ها و ناجوانمردی‌ها غلبه کنیم. ما در مقابل مشکلات سر خم نخواهیم کرد و تلاش می‌کنیم برای ایران عزیز، عزّت و سربلندی خلق کنیم.

پزشکیان با بیان اینکه تا جان در بدن داریم پای کار ایران هستیم، گفت: در دولت چهاردهم پیمان بستیم که حتی اگر تمام قدرت‌های جهان با ناجوانمردی ایستاده باشند که ما در مقابلشان سر خم کنیم، تسلیم نشویم.

وی با اشاره به همت و تلاش ورزشکاران جانباز و توان‌یاب، ادامه داد: شما در مقابل مشکلات تسلیم نشدید، ما نیز علی رغم تمام مشکلاتی که ایجاد کردند و زخم‌هایی که بر پیکر جامعه ما زدند، تسلیم مشکلات و زورگویی‌ها نمی‌شویم. ما باید زخم‌های جامعه را ترمیم کنیم، ما یک ملت و کشور هستیم، ما باید با هم ید واحده شویم و درمقابل سختی‌ها بایستیم، باید اختلافات و مشکلات را کنار بگذاریم و بر زخم‌های جامعه مرهم بگذاریم.

رئیس‌جمهور ابراز امیدواری کرد که ورزشکاران توان‌یاب همچون گذشته غرورآفرین باشند و گفت: قول می‌دهم که بستر کار را برای رشد شما مهیا خواهیم کرد.

از میزبانی معاندان تا حمایت از تل‌آویو؛ بازخوانی پرونده ضدایرانی آلمان

حمایت‌های سیاسی آلمان از اسرائیل و میزبانی از جریان‌های معاند، روابط تهران - برلین را به مرحله‌ای پرتنش رسانده و بحث استانداردهای دوگانه برلین را پررنگ‌تر کرده است.

رویکرد سیاست خارجی آلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر با انتقادات فزاینده‌ای مواجه بوده است؛ انتقاداتی که از حمایت آشکار برلین از رژیم صهیونیستی تا میزبانی از گروه‌های معاند و اتخاذ استانداردهای دوگانه در حوزه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل را دربر می‌گیرد. بررسی تحولات اخیر نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از رفتارهای سیاسی، امنیتی و رسانه‌ای دولت آلمان، تصویر این کشور را در افکار عمومی ایران با چالش جدی روبه‌رو کرده است.

آلمان در تحولات اخیر منطقه، به‌ویژه در قبال اقدامات رژیم صهیونیستی علیه ایران و همچنین جنگ غزه، مواضعی اتخاذ کرده که از نگاه ناظران ایرانی، جانبدارانه و غیرمتعادل بوده است. برلین به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین حامیان اروپایی اسرائیل، همواره بر «تعهد تاریخی» خود نسبت به امنیت این رژیم تأکید کرده است.

دولت آلمان همچنین دومین تأمین‌کننده بزرگ تسلیحات برای رژیم اسرائیل محسوب می‌شود؛ موضوعی که به‌عنوان مشارکت غیرمستقیم در تحولات میدانی منطقه تحلیل می‌شود. در این چارچوب، مواضع چهره‌هایی چون «بائربوک» وزیر خارجه سابق آلمان نیز با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شده است.

میزبانی از گروه‌های معاند و چالش امنیتی

یکی دیگر از محورهای انتقادی، میزبانی آلمان از برخی جریان‌های معاند و تجزیه‌طلب ایرانی است. حضور و فعالیت سازمان‌یافته اعضای سازمان موسوم به منافقین و برگزاری تجمعات آنان در شهرهایی چون مونیخ، از جمله مواردی است که به‌عنوان نشانه‌ای از رویکرد سیاسی خاص برلین ارزیابی می‌شود.

منتقدان معتقدند این رویکرد با ادعای آلمان درباره مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم در تضاد قرار دارد و پیامدهای امنیتی و دیپلماتیک در روابط دو کشور به‌همراه داشته است.

پرونده اتباع دوتابعیتی و تعطیلی کنسولگری‌ها

در موضوع اتباع ایرانی- آلمانی نیز سیاست‌های برلین محل بحث بوده است. پس از پرونده جمشید شارمهد، دولت آلمان در واکنش به تحولات مرتبط با وی، سه سرکنسولگری ایران را تعطیل کرد. این تصمیم، به‌ویژه برای صدها هزار ایرانی مقیم آلمان تبعات اجرائی گسترده‌ای به همراه داشت و انجام امور کنسولی را برای آنان دشوارتر کرد.

از حدود ۴۰۰ هزار ایرانی مقیم آلمان، بیش از ۲۰۰ هزار نفر تابعیت این کشور را دارند؛ بنابراین، حمایت از یک جاسوس برای دولت آلمان، برای آنها ارزش بیشتری دارد و دردسرها و مشکلاتی که برای بقیه ایرانیان ایجاد می‌کند، نادیده گرفته می‌شود. منتقدان بر این باورند که تصمیمات سیاسی برلین در این حوزه، عملاً هزینه‌های اجتماعی قابل توجهی برای جامعه ایرانیان مقیم این کشور ایجاد کرده است.

گذشته تاریخی؛ از صدام تا تسلیحات شیمیایی

یکی از موضوعات تاریخی که همچنان در حافظه جمعی ایرانیان زنده است، نقش شرکت‌های آلمانی در تأمین مواد و تجهیزات مورد استفاده رژیم صدام در جنگ تحمیلی است. این مسئله، به‌ویژه در ارتباط با حملات شیمیایی، همواره از محورهای انتقادی در روابط تهران- برلین بوده و به‌عنوان نقطه تاریک در کارنامه تاریخی آلمان مطرح می‌شود.

استانداردهای دوگانه در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر

رفتار آلمان در قبال بحران‌های بین‌المللی نیز از منظر برخی تحلیلگران ایرانی، مصداقی از استانداردهای دوگانه است. برلین حمله روسیه به اوکراین را به‌شدت محکوم کرده اما در قبال اقدامات اسرائیل یا آمریکا در منطقه غرب آسیا، رویکردی متفاوت اتخاذ کرده است.

در داخل آلمان نیز چالش‌هایی چون رشد جریان‌های راست‌گرای افراطی، افزایش موارد اسلام‌ستیزی و یهودستیزی و نیز محدودیت‌های اعمال‌شده علیه برخی جریان‌های سیاسی در کانون توجه رسانه‌ها قرار دارد. منتقدان می‌گویند برخوردهای امنیتی با برخی احزاب یا گروه‌های اجتماعی با ادعای این کشور درباره آزادی‌های سیاسی در تعارض است.

افول نسبی اقتصادی و فناوری

برخلاف تصویر تثبیت‌شده از آلمان به‌عنوان موتور اقتصادی اروپا، شاخص‌های جدید نشان‌دهنده افت نسبی این کشور در برخی حوزه‌های نوآوری و دیجیتال است. در شاخص نوآوری اروپا (EIS) رتبه نهم اتحادیه اروپا، در شاخص نوآوری جهانی رتبه ۱۱ و در شاخص اقتصاد و جامعه دیجیتال (DESI) رتبه ۱۴ از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا، و از نظر سرعت اینترنت در سطح جهان نیز در رتبه ۶۰ قرار دارد که تصویری از چالش‌های پیش‌روی اقتصاد آلمان ارائه می‌دهد. همچنین در صنعت خودروهای برقی، رقابت فزاینده چین فشار مضاعفی بر شرکت‌های بزرگ آلمانی وارد کرده و بخشی از تولیدات برندهای مطرح این کشور به خارج منتقل شده است.

سیاست خارجی در حاشیه بازیگران بزرگ

در پرونده‌های مهم بین‌المللی از جمله جنگ غزه و بحران اوکراین، تحلیلگران غربی نیز به محدود بودن نقش آلمان در برابر آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی رسانه‌های اروپایی، سیاست خارجی برلین را «وابسته» یا «در سایه» ارزیابی کرده‌اند؛ موضوعی که از نگاه منتقدان داخلی آلمان نیز محل بحث است.

افزایش بودجه نظامی آلمان در سال‌های اخیر، در چارچوب تحولات امنیتی اروپا، نگرانی‌هایی را به‌ویژه با توجه به سابقه تاریخی این کشور در دو جنگ جهانی برانگیخته است. گرچه برلین این روند را در چارچوب تعهدات ناتو و تحولات ژئوپلیتیک توجیه می‌کند، اما در فضای رسانه‌ای اروپا همچنان حساسیت‌هایی نسبت به قدرت‌گیری نظامی مجدد آلمان وجود دارد.

نیویورک‌تایمز:

ترامپ ماجراجویی علیه ایران را با یورش به ونزوئلا اشتباه نگیرد

روزنامه آمریکایی با اشاره به قدرت موشکی و پهپادی ایران هشدار داد که دولت ترامپ ماجراجویی علیه ایران را با یورش به ونزوئلا اشتباه نگیرد.

زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ اعلام کرد که یک «ناوگان عظیم» آمریکایی به سمت ایران در حرکت است، آن را با نوع نیرویی که در عملیات ونزوئلا به کار گرفته شده بود مقایسه کرد، عملیاتی که در آن نظامیان آمریکایی رئیس‌جمهور منتخب ونزوئلا نیکلاس مادورو و همسرش را از این کشور ربودند و به آمریکا منتقل کردند. اما به نوشته نیویورک‌تایمز، کارشناسان هشدار می‌دهند که اقدام علیه ایران به‌شدت پیچیده‌تر از عملیات دوساعته در ونزوئلا خواهد بود و به طور بالقوه می‌تواند آمریکا را به درگیری‌ای طولانی‌مدت بکشاند.

روزنامه آمریکایی با اشاره به «توانایی‌های نظامی گسترده» و همچنین قدرت منطقه‌ای ایران، خاطرنشان کرد که درگیری با ایران، با حمله یک‌شبه به ونزوئلا یکسان نخواهد بود.علی واعظ از گروه بین‌المللی بحران، سازمانی متمرکز بر حل منازعات، گفت: «در مورد ایران، هیچ گزینه نظامی کم‌هزینه، آسان و تمیزی (بی‌دردسری) وجود ندارد.»

واعظ در این باره گفت: «این خطر واقعی وجود دارد که جان آمریکایی‌ها از بین برود» و تأکید نمود که این مسئله در محاسبات ترامپ، «به‌ویژه در یک سال انتخابات» نقش پررنگی خواهد داشت.

قدرت ایران در پاسخ نظامی

نیویورک‌تایمز افزود در حالی که آسمان ونزوئلا قبل از حمله آمریکا در ماه دی به نسبت بدون محافظت بود، به گفته کارشناسان منطقه‌ای ایران یکی از بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زرادخانه‌های موشکی را در خاورمیانه دارد. زرادخانه ایران شامل پهپادها و تسلیحات ضد کشتی است.

موشک‌های بالستیک میان‌برد ایران قادر به پیمایش بیش از ۲ هزار کیلومتر هستند و پایگاه‌های آمریکایی در منطقه، چه پایگاه‌های نزدیک‌تر در حاشیه خلیج‌فارس و چه پایگاه‌های دورتر مانند غرب ترکیه و اراضی اشغالی، در تیررس این موشک‌ها قرار دارد.

صنم وکیل، مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در مؤسسه سیاست‌پژوهی چتم‌هاوس در این باره گفت که ایران قادر است که «به‌سرعت» تنش‌ها را به اقصی‌نقاط منطقه انتقال دهد.ماه گذشته عربستان سعودی و امارات متحده عربی که هر دو از متحدان ایالات متحده در منطقه محسوب می‌شود، اعلام کردند که به آمریکا اجازه نخواهند داد از حریم هوائی آنها برای حملات استفاده کند. اما برخی سیاستمداران آمریکایی از احتمال بی‌توجهی واشنگتن به موضع این کشورها سخن گفته‌اند.نیویورک‌تایمز در ادامه شرح داد که پاسخ ایران می‌تواند علیه رژیم صهیونیستی باشد و شهرهای بزرگ در اراضی اشغالی را هدف قرار دهد. ارتش اسرائیل در طول جنگ ۱۲ روزه از سامانه‌های پدافندی خود برای دفاع در برابر موشک‌های ایران استفاده کرد، با این حال ایران توانست اماکن نظامی و استراتژیک اسرائیل را هدف قرار دهد. از سوی دیگر به گفته مقامات اطلاعاتی، ذخیره سامانه‌های پدافندی رژیم، پس از دو سال مقابله با حملات حماس در غزه و حزب‌الله لبنان رو به اتمام است.

محور مقاومت، تهدیدی علیه نیروهای آمریکایی

جدای از این، محور مقاومت از جمله انصارالله یمن و حزب‌الله لبنان نیز ممکن است در سناریوی تشدید تنش‌ها، نقش‌آفرینی کنند.به نوشته نیویورک‌تایمز، آن‌ها می‌توانند علیه نیروها و متحدان آمریکایی مقابله‌به‌مثل کنند، جبهه‌های متعددی ایجاد کرده و درگیری را فراتر از مرزهای ایران گسترش دهند. در بحبوحه تهدیدات آمریکایی‌ها علیه ایران، سران جبهه مقاومت از جمله انصارالله یمن، ضمن تأکید بر حمایت از ایران، درباره برگزاری این عملیات‌ها هشدار داده‌اند.کارشناسان همچنین می‌گویند که یمنی‌ها می‌توانند هدف‌گیری کشتی‌ها در دریای سرخ را از سر بگیرند، همان‌طور که در اواخر سال ۲۰۲۳ در حمایت از فلسطین انجام دادند. جدای از این، عملیات در ایران مانند ونزوئلا نخواهد بود. در ونزوئلا، یک یورش حدود دوساعته منجر به دستگیری مادورو شد و در ادامه رویکرد دولت کاراکاس تا حدودی تغییر کرد. اما نیویورک‌تایمز تأکید کرد که ساختار قدرت ایران با ونزوئلا تفاوت اساسی داشته و در نیم‌قرن گذشته تثبیت شده است.کارشناسان می‌گویند که موقعیت جغرافیایی ایران و فاصله تهران با آب‌های آزاد، شرایط را نسبت به ونزوئلا متفاوت می‌کند. این امر باعث می‌شود که نیروهای آمریکایی برای دسترسی مستقیم به رهبران ایران، در مقایسه با عملیات در کاراکاس که تنها حدود ۱۶ کیلومتر با دریای کارائیب فاصله دارد، با مشکلات بیشتری دست‌وپنجه نرم کنند. علاوه بر این، ایران قبلاً تهدید به بستن تنگه هرمز کرده است که یکی از مهم‌ترین مسیرهای کشتیرانی انرژی در جهان محسوب می‌شود. حدود یک‌پنجم نفت و گاز طبیعی مایع جهان از این آبراه عبور می‌کند.

به گزارش فارس، کلر یونگمن، کارشناس مسائل دریایی در این باره گفت که هرگونه اختلال در تنگه باعث جهش قیمت انرژی خواهد شد.ایران در روزهای اخیر مانورهای عملیاتی در این تنگه انجام داده که به گفته برخی کارشناسان، نشانه‌ای از این است که در صورت وقوع درگیری، تهران می‌تواند این تنگه را مسدود کند.

با حضور دانشجویان انقلابی

مراسم چهلم شهدای حوادث دی‌ماه در چند دانشگاه برگزار شد

روز گذشته به مناسبت چهلم شهدا و جانباختگان اغتشاشات مسلحانه دی ۱۴۰۴، تجمعاتی در برخی از دانشگاه‌های تهران برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، روز شنبه ۲ اسفندماه اولین روز حضوری شدن مقاطع کارشناسی دانشگاه‌های کشور در نیمسال تحصیلی جدید بود و تشکل‌های دانشجویی و شوراهای صنفی از چند روز قبل در برخی از دانشگاه‌های تهران از برگزاری مراسمی به‌یاد جانباختگان حوادث دی‌ماه در این روز خبر داده بودند.

به‌همین منظور در برخی از دانشگاه‌های تهران مانند دانشگاه صنعتی شریف، امیرکبیر و دانشگاه تهران مراسم‌هایی با حضور جمعی از دانشجویان به‌یاد جان‌باختگان در صحن دانشگاه‌ها برگزار شد.

در دانشگاه تهران برخی از دانشجویان با راه‌اندازی دسته عزاداری و سینه‌زنی یاد جان‌باختگان و شهدای اخیر را گرامی داشتند.

در دانشگاه صنعتی شریف در حالی‌که دانشجویان شرکت‌کننده در این مراسم و تجمع ابتدا اعلام کرده بودند تجمع سکوت برگزار می‌کنند اما این مراسم پس از دقایقی با سر دادن شعارهای ساختارشکنانه و اهانت به مقدسات به تجمعی رادیکال تبدیل شد.

در مقابل دانشجویان انقلابی نیز با در دست گرفتن پرچم ایران و عکس شهدای اخیر مقابل این عده از دانشجویان در سردر دانشگاه قرار گرفتند. در دقایقی از این تجمع درگیری بین دانشجویان دو گروه رخ داد که منجر به مصدومیت چند دانشجو شد.

جمعی از دانشجویان در برابر اهانت‌های ساختارشکنانه، سرود ایران را مقابل در اصلی دانشگاه شریف همخوانی کردند.

در دانشگاه امیرکبیر نیز تجمع مشابهی برگزار شد؛ در این تجمع دانشجویان انقلابی با در دست گرفتن پرچم ایران و عکس شهدا در برابر جمع دیگری از دانشجویان که به سر دادن شعارهای ساختارشکنانه اقدام کرده بودند، پرداختند.

خبرگزاری فارس هم در این خصوص گزارش داد: در چهلمین روز درگذشت جانباختگان حوادث دی‌ماه، تجمعی در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد که در آن دو گروه از دانشجویان شعارهای متفاوتی سر دادند.

این تجمع که قرار بود به صورت تحصن سکوت و آرام برگزار شود، با حضور چند نفر که ماسک زده بودند، به سمت شعارهایی با جهت‌گیری خاص پیش رفت. در میان شعارهای این گروه برخی شعارهایی که در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ضدانقلاب نیز تبلیغ می‌شود، شنیده شد.

در واکنش به این وضعیت، گروه دیگری از دانشجویان حاضر در محل، شعارهایی در حمایت از انقلاب اسلامی سر دادند و با برجسته‌سازی تناقض‌ها و دروغ‌پردازی‌های ضدانقلاب، به اقدامات آنها پاسخ گفتند. این گروه از دانشجویان همچنین نسبت به روزه‌خواری تعدادی از لیدرهای تجمع طیف مقابل اعتراض کردند.

چاقوکشی در دانشگاه شریف!

فارس همچنین نوشت:اخبار واصله از چاقوکشی حین تجمع در محوطه دانشگاه صنعتی شریف حکایت دارد. به گفته دانشجویان، دو قبضه چاقو توسط حراست دانشگاه از برخی دانشجویان هنجارشکن در این تجمع توقیف شده است. در این تجمع، چند دانشجو با پرتاب سنگ مصدوم شدند. در این تجمع، تصاویر شهدای اغتشاشات دی‌ماه نیز هتک حرمت شده و توسط چند دانشجوی هنجارشکن پاره شد.

صبح دیروز تجمع آرام دانشجویی با حضور چند لیدر با ماسک‌های مشکی ملتهب شد و به سمت شعارهای ساختارشکنانه رفت. بر اساس گزارش‌های دریافتی، در جریان تجمعات روز سه‌شنبه در محوطه این دانشگاه، شماری از دانشجویان معترض اقدام به شعارهایی با مضمون سلطنت‌طلبانه کردند. در مقابل، گروه دیگری از دانشجویان که حامل پرچم جمهوری اسلامی ایران بودند و شعارهای انقلابی سر می‌دادند، حضور داشتند.

دیگر دانشجویان دانشگاه که در مسجد دانشگاه برنامه از پیش اعلام‌شده داشتند، در واکنش به شعارهای سیاسی لیدرها، شعار «مرگ بر شاه» سر دادند.

این نخستین بار نیست که رفتار بخشی از دانشجویان این دانشگاه در کانون توجهات قرار می‌گیرد. در پاییز سال ۱۴۰۱ نیز انتشار اخباری درباره فحاشی‌های رکیک و تجمعاتی با محوریت «مختلط شدن سلف‌سرویس‌های دانشگاه» جامعه دانشگاهی را شوکه کرده بود.

در آن زمان نیز سطح مطالبات مطرح‌شده از سوی معترضان، با توجه به جایگاه علمی والای دانشگاه شریف، با واکنش‌های تند و تعجب کارشناسان همراه شد. به نظر می‌رسد فاصله میان انتظارات عمومی از یک نهاد علمی نخبه‌پرور و برخی رفتارهای سیاسی ـ اجتماعی در این دانشگاه، به شکافی عمیق تبدیل شده است.

با وجود این حوادث تلخ، تأکید ناظران و فعالان دانشگاهی بر این نکته است که «قاطبه دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف» از این رفتارهای نابهنجار مبرا هستند. اکثریت دانشجویان که به دنبال علم و پیشرفت هستند، خواستار حفظ امنیت و آرامش در محیط دانشگاه می‌باشند. این رویدادها را زی